



در کج راهه ناهم افزایی

«تقی صانعی» آینده پایدار در صنایع را مستلزم سیاستگذاری یکپارچه و اقدامات اساسی و هماهنگ می داند



پتروشیمی
شهید تندگویان



سید امیر افتخاری پور - روزنامه نگار / صنعت پتروشیمی ایران به عنوان موتور محرک اقتصاد غیرنفتی و یکی از منابع اصلی درآمد ارزی کشور، در سال های اخیر در دام یک «زنجیره بدون حامی» گرفتار شده است؛ صنعتی که باید موتور محرک توسعه صنعتی، اشتغال زایی و خلق ارزش افزوده باشد، امروز با مجموعه ای از تصمیم های ناهمسو، سیاست های کوتاه مدت، بی ثباتی مقررات و تضاد میان نهادهای تصمیم گیر روبه رو شده است. **تقی صانعی**، معاون نظارت بر تولید و زنجیره تأمین و سرمایمدی عملیات گروه صنایع پتروشیمی خلیج فارس با بیش از دو دهه تجربه مستقیم در مدیریت پروژه های پتروشیمی در گفت و گو با «ایران» دیدگاه های مبتنی بر واقعیت های میدانی ارائه می دهد که می تواند چراغ راهی برای درک دقیق تر مشکلات این صنعت باشد.

تأثیر این آشفتگی سیاستی کاملاً محسوس است: توقف ده ها پروژه توسعه ای، مهاجرت سرمایه گذاران به کشورهای همسایه، کاهش رقابت پذیری صادرات، افزایش هزینه های تولید و در نهایت بلااستفاده ماندن ظرفیت های عظیم صنعت. امروز حدود یک پنجم ظرفیت اسمی پتروشیمی کشور به دلیل کمبود خوراک غیرفعال است؛ ظرفیتی که معادل میلیارد ها دلار سرمایه گذاری بلااستفاده و فرسایش تدریجی مزیت های تاریخی صنعت به شمار می آید.

در کنار این چالش ها، فشارهای مالیاتی، مسدودسازی حساب شرکت ها، نبود نظام شفاف تهاثر مالیاتی و اختلاف نرخ ارز، حیات مالی و عملیاتی تولیدکنندگان را به خطر انداخته است. انتصاب های غیرتخصصی و کوتاه مدت نیز بر پیچیدگی وضعیت افزوده و مسیر برنامه ریزی بلندمدت را مسدود کرده است.

در چنین شرایطی، صنعت پتروشیمی ایران بیش از هر زمان دیگری نیازمند یک نهاد حامی واحد، قوانین پایدار، سیاست های هماهنگ و رویکردی راهبردی است؛ در غیر این صورت، ادامه روند کنونی به معنای فرسایش تدریجی یک صنعت راهبردی و از دست رفتن جایگاه

فعالیت پتروشیمی ایران، برخلاف رقبای منطقه ای که از یک نهاد منسجم، مقتدر و سیاست گذار واحد برخوردارند، متأثر از چندین نهاد با رویکردها و اهداف متفاوت است؛ از وزارت نفت و سازمان مالیاتی گرفته تا وزارت صمت، بانک مرکزی، گمرک و مناطق ویژه اقتصادی. این تعدد سیاست گذاران و نبود یک مرجع واحد برای تنظیم گری، سبب شده هر حلقه از زنجیره ارزش پتروشیمی با مداخله یا سیاستی مواجه شود که در عمل اهداف حلقه دیگر را مختل می کند. نتیجه این ناهم افزایی، شکل گیری زنجیره ای است که حامی مشخص ندارد.

یکی از مهم ترین نمدهای این بحران، بی ثباتی سیاستی است؛ از حذف ناگهانی معافیت های مالیاتی مناطق ویژه تا تغییرات فرمول قیمت گذاری خوراک، بخشنامه های متعدد ارزی، محدودیت های صادراتی و اعمال رویه های سخت گیرانه مالیاتی. هر یک از این تصمیم ها به تنهایی می تواند پروژه ای چند هزار میلیاردی را از صرفه اقتصادی خارج کند، چه برسد به اینکه این تصمیم ها در بازه های زمانی کوتاه، بدون تحلیل اثرات و بدون هماهنگی بین نهادهای اعمال شوند.

ایران

۹۲